

# سرمقاله (سخن سردبیر) - سر برآور هم‌چو کوهی ای سند!

ابراهیم سوزنچی کاشانی<sup>۱</sup>

## چکیده

اولین برنامه توسعه شوروی از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲ ادامه داشت. آمارها خیره کننده بود و تقریباً برنامه از تمامی اهداف خود در صنعتی شدن پیشی گرفت. ۸۶ درصد سرمایه‌گذاری‌ها بر روی صنایع سنگین صورت گرفت و کارخانه‌ها زودتر از موعد افتتاح شده بودند و ظرفیت تولیدی فراتر از انتظار توسعه یافته بود. برنامه دوم اگرچه هدف مشابهی داشت، اما در برخی حوزه‌ها به میزان برنامه اول موفقیت‌آمیز نبود، مخصوصاً در توسعه صنایعی نظیر نفت و ذغال سنگ. دو سال اول برنامه سوم وضع از منظر اهداف تولید و خیم‌تر بود که آلمان به شوروی حمله کرد و همه چیز تحت‌الشعاع جنگ قرار گرفت. در انتقاد از برنامه‌نویسی، نقدهای زیادی صورت گرفته و البته در طرف مقابل عده‌ای قرار دارند که می‌گویند اگر برنامه و سند نباشد، پس چه چیزی باید جایگزین آن گردد؟ آیا این به معنای عدم وجود سند و برنامه است؟

## کلیدواژه‌ها

سند- برنامه- برنامه‌نویسی

## اصل مقاله

اولین برنامه توسعه شوروی از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲ ادامه داشت. آمارها خیره کننده بود و تقریباً برنامه از تمامی اهداف خود در صنعتی شدن پیشی گرفت. ۸۶ درصد سرمایه‌گذاری‌ها بر روی صنایع سنگین صورت گرفت و کارخانه‌ها زودتر از موعد افتتاح شده بودند و ظرفیت تولیدی فراتر از انتظار توسعه یافته بود.

برنامه دوم اگرچه هدف مشابهی داشت، اما در برخی حوزه‌ها به میزان برنامه اول موفقیت‌آمیز نبود، مخصوصاً در توسعه صنایعی نظیر نفت و ذغال سنگ

دو سال اول برنامه سوم وضع از منظر اهداف تولید و خیم‌تر بود که آلمان به شوروی حمله کرد و همه چیز تحت‌الشعاع جنگ قرار گرفت.

---

<sup>۱</sup> هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف

در انتقاد از برنامه‌نویسی، نقدهای زیادی صورت گرفته و البته در طرف مقابل عده‌ای قرار دارند که می‌گویند اگر برنامه و سند نباشد، پس چه چیزی باید جایگزین آن گردد؟ آیا این به معنای عدم وجود سند و برنامه است؟

پاسخ خیر است بدان معنا که سند و برنامه ضروری است، و نمی‌توان منکر وجود آن شد بلکه مشکل اصلی در فهم ما از سند، برنامه، نقشه و یا واژه‌های مشابه است. یک سند چیست و باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد؟

مثلا نقشه جامع علمی کشور، که اخیرا با نظر رهبر انقلاب در مسیر اصلاح قرار گرفته آیا ویژگی‌های یک سند را دارا بوده است؟

برنامه‌های توسعه شوری که در بالا ذکر شد، سندهای خوبی بودند؟

:اجازه دهید نگاهی به ویژگی‌های کلی این سندها بیندازیم

مشمول بر اهدافی (عمدتا آرمانگرایانه) که خود در قالب اعداد و شاخصها ذکر می‌شوند

مشخص کردن راهبردهایی برای رسیدن به این اهداف، که این راهبردها عمدتا چیزی نیستند جز معکوس مشکلات (موجود) (مثلا مشکل موجود کمبود نیروی انسانی متخصص است و راهبرد مربوطه ارتقای نیروی انسانی متخصص

برنامه‌های اجرایی که ناشی از تجربه تدوین‌کنندگان سند است و تقریبا ربطی به اهداف و راهبردها ندارد

در بحثی که اخیرا با یکی از افراد با تجربه دفاعی داشتم، ایشان توجه من را به قرآن به عنوان سند زندگی جلب کرد. نکته اصلی در اینجا بود که تا چه میزان قرآن به جزئیات پرداخته و تا چه میزان به مفاهیم و کلیات؟

پرواضح که قرآن پر است از مفاهیم و قصه‌های گوناگون و فقط در چندجا جزئیاتی را مشخص کرده نظیر عفاف یا ارث، و حتی در مورد تعداد رکعات نماز نیز ساکت است

به عبارت دیگر، اصل قرآن جا انداختن مفاهیم است که مبتنی بر آن اصول زندگی مشخص می‌گردد و بجز درصد کوچکی، کاری به جزئیات ندارد. از منظر راهبردی قرآن ذهن انسان را جهت‌دهی کرده و اقدامات را به انسان واگذار می‌کند.

هنگامی که به برنامه توسعه شوری نگاه می‌کنیم، مشخص می‌شود که اهداف آن همانا بالا بردن ظرفیت تولید صنایع سنگین، یا به عبارتی تسریع در تاسیس کارخانجات بوده، بدون اینکه مفهوم صنعتی شدن برای سیاستمداران این کشور

دقیق باشد. اگرچه در ابتدا ظرفیتها را بالا برده بود، ولی بزودی به سیر قهقرایی رسید. همین اتفاق در ارتباط با صنعتی شدن ایران عینا تکرار گردید چرا که مفاهیم اساسی به خوبی روشن نبود

مدل مفهومی متشکل از یک سری روابط علی و معلولی است که دینامیزم و نتیجه فعالیت‌های مختلف را روشن می‌سازد و بعبارت امروزه، مبنای نظری قابل توجهی دارد

نقشه‌های متعدد دیگر نیز عمدتا فاقد مفاهیم هستند و سریع وارد هدف گذاری و اقدام می‌شوند در حالیکه اگر بخواهند مبتنی بر نگاه فوق تدوین شوند، باید بتوانند به خوبی مفاهیم را آشکار سازند به نحوی که هر کسی در هر نقطه‌ای اگر بخواهد با آن ارتباط بگیرد، در گام اول مدل ذهنی‌اش ساماندهی شود و سپس مبتنی بر آن، اقدامات را مبتنی بر تجربیات خود پیش‌بینی کند

هنر اصلی سندنویسی تعریف مفاهیم کلیدی و سپس مشخص کردن حوزه‌های محدودی است که باید وارد جزئیات گردد. و این چیزی است که ما در نقشه‌ها و سندها بدانها توجه نمی‌کنیم

سردار جبل مثالی از سند بحران یک کشور آورد که تماما مفاهیم بود و بسیاری از اقدامات را به نهادهای ذیربط واگذار کرده بود، اما در چندجا جزئیات را شفاف بیان کرده بود که اصلی‌ترین آن، فوری‌ترین اقدام بعد از زلزله است. ظرف ۳۰ دقیقه، پلیس‌راه باید تمامی راهها را تحت کنترل خود درآورد و بدین منظور باید از نیروهای عملیات بومی استفاده نماید (چون تجهیز پلیس بسرعت ممکن نیست). در غیراینصورت راهها بسته می‌شود و تا ۷۲ ساعت نمی‌توان به منطقه کمک رسانی کرد و بسیاری زیر آوار کشته خواهند شد

اگر نقشه جامع علمی قرار است نوشته شود، باید وجهه همت خود را مفهوم‌پردازی توسعه علمی قرار دهد. و به‌همین ترتیب سایر نقشه‌ها و برنامه‌ها... و البته این کار برای تیمهای سندنویس که یادگرفته‌اند افراد را کنارهم جمع کنند و ...خروجی حرفهای همانها را تحت قالب سند به خودشان غالب کنند، سخت‌تر خواهد بود